

# \* بررسی مشکلات و تنگناهای مربوط به گندم از دیدگاه تورم

داشت و از سال ۱۳۶۰ الی ۱۳۶۲ این میزان تقریباً ثابت ماند. میزان تولید نیز طی سالهای ۱۳۵۵ الی ۱۳۵۹ نوساناتی داشت و در مجموع روندی نزولی داشت و طی این دوره از ۶ میلیون تن به ۵/۸ میلیون تن کاهش یافت. در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ این میزان کمی افزایش پیدا کرد ولی مجدداً در سال ۱۳۶۲ کاهش پیدا کرد و به ۵/۹ میلیون تن رسید.

عملکرد در هکتار گندم در ایران حدود ۱ تن میباشد که این میزان نسبت به کشورهایمانند هلند، ژاپن و ترکیه بسیار نازل است و علت آن عمدتاً ناشی از پائین بودن بازده تولید در دیمکاری میباشد.

تعداد واحدهای بهره برداری گندم در کل کشور بالغ بر ۱۶۸۰ هکتار است که از این تعداد حدود ۵۰ درصد متعلق به کشاورزانی است که دارای زمینهای کمتر از ۵ هکتار بوده و ۲۶ درصد بهره برداریها مربوط به زمینهای بیش از ۱۰ هکتار میباشد که ۸۶ درصد از اراضی را شامل میشود.

## واردات

بر اساس آمار بازرگانی خارجی ایران میزان واردات گندم در سال ۱۳۵۰ از نظر وزن حدود ۹۹۳ هزار تن و از نظر ارزش معادل ۵۷۵۳ میلیون ریال بود که این مقادیر به استثنای سالهای ۱۳۵۵، ۱۳۵۷ و ۱۳۵۸ مرتباً روندی صعودی داشت، بطوریکه در سال ۱۳۶۲ میزان واردات به رقم ۳ میلیون تن رسید. این میزان فزاینده واردات گندم از دو جهت استراتژیک بودن این محصول و محدودیت بنادر کشور و هزینه‌های حمل خارجی و داخلی آن قابل تعمق است.

## ۲ - توزیع و مصرف گندم:

بطور کلی گندم مصرفی در نقاط روستائی عمدتاً از تولید

از سال ۱۳۵۰ بدنبال افزایش قیمت نفت و در نتیجه افزایش سطح درآمد بخصوص در شهرها از اهمیت بخش کشاورزی کاسته شد و نتیجتاً افزایش روند مهاجرت روستائیان به شهرها افزایش یافت. از سال ۱۳۵۳ سهم بخش کشاورزی از کل سرمایه گذاری در کشور نیز با وجود ناچیز بودن آن رو به کاهش نهاد و بدنبال آن واردات کالاهای اساسی کشاورزی افزایش پیدا کرد. بدین ترتیب تولیدکنندگان محصولات کشاورزی خود بصورت مصرف کنندگان این کالاها درآمدند.

رکود در بخش کشاورزی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از یکطرف بدلیل روشن نبودن وضع مالکیت اراضی کشاورزی، بروز جنگ ایران و عراق، رونق عملیات واسطه‌ای و خدماتی در شهرها از سوی دیگر افزایش اختلاف سطح زندگی در شهر و روستا و سیاست نامناسب قیمت گذاری محصولات کشاورزی همچنان ادامه یافت.

به منظور تبیین دقیق و منسجم این مسائل گزارش «بررسی مشکلات و تنگناهای مربوط به گندم از دیدگاه تورم» تدوین گردید که شامل چهار قسمت میباشد: ۱ - عرضه گندم - (شامل تولید داخلی و واردات)، ۲ - توزیع «مصرف گندم» - ۳ - قیمت گذاری، ۴ - مشکلات و تنگناهای مربوط به این محصول. در پایان نیز پیشنهادات مشخصی جهت رفع این مشکلات ارائه گردیده است.

## ۱ - عرضه گندم:

گندم یکی از محصولات اساسی کشاورزی ایران است که سطح زیر کشت آن در سال ۱۳۵۸ بالغ بر ۵/۲ میلیون هکتار (۳۲/۵ درصد کل اراضی آبی و دیم) بوده است. سطح زیر کشت گندم طی سالهای ۱۳۵۵ الی ۱۳۵۹ سیری نزولی

روستائیان تأمین میشود. لیکن تحولات سالهای اخیر موجباتی را فراهم کرده تا از یکطرف روستائیان نان مصرفی خود را از شهرها تأمین کنند و از طرف دیگر تغییر الگوی مصرفی برخی از روستاها موجب شده است تا از مصرف برنج بکاهند و به مصرف نان گرایش پیدا کنند. در سال ۱۳۶۱ مصرف سرانه گندم در روستاهای کشور سالانه معادل ۲۱۰ کیلوگرم و کل مصرف خانوارهای روستائی حدود ۴ میلیون تن برآورد شده که حدود ۱۰ درصد بیش از مصرف روستاها در دهه گذشته است. در حال حاضر سازمان غله علاوه بر وظیفه خرید، حمل و نگهداری گندم وارداتی و نگهداری بخشی از گندم تولید داخلی جهت تأمین مصارف شهری عهده دار توزیع و تأمین گندم و آرد روستاهای ایران نیز میباشد.

### ۳ - قیمت گندم و سیاست قیمت گذاری:

قیمت گندم که سالیان متمادی از ثبات نسبی برخوردار بود در نیمه دوم دهه ۱۳۵۰ بدنبال افزایش درآمد نفت ازدیاد حاصل کرد، و این امر عمدتاً بدلیل افزایش هزینه های تولیدی و بهای کالاهای مصرفی گندمکاران بود.

قیمت گذاری گندم یکی از عوامل مهمی است که بر روی تولید و میزان خرید این محصول بوسیله دولت، اثر میگذارد. در محاسبه قیمت گندم دوروش کشت سنتی و نیمه مکانیزه در نظر گرفته میشود.

برطبق گزارش وزارت کشاورزی تحت عنوان «روش بررسی هزینه تولید محصولات اساسی کشاورزی پیشنهاد حداقل قیمت تضمینی برای سال ۱۳۶۳» هزینه تولید گندم در نقاط مختلف کشور با توجه به شرایط طبیعی، اقتصادی و فنی متفاوت است. بعنوان مثال، هزینه های تولید یک هکتار گندم آبی با روش نیمه مکانیزه در ناحیه گرگان و گنبد حدود ۳۵ هزار ریال و در خراسان بیش از ۵۵ هزار ریال است. این تفاوت هزینه در کشت سنتی به علت کاربرد بودن و نازل بودن عملکرد در هکتار آن است. بهمین دلیل قیمت خرید دولتی در اکثر موارد زیر قیمت تمام شده در روش سنتی قرار میگیرد.

این محاسبات در شرایطی است که دولت بخشی از هزینه کود و تراکتور را بصورت سوبسید تولیدی متحمل شده و نرخ برابری ارزش نیز تقریباً معادل ۸۸ ریال برای هر دلار است. بهمین جهت هرگونه تغییر در میزان سوبسید و یا در نرخ برابری ارزش، تغییرات مهمی در قیمت تمام شده گندم داخلی بوجود میآورد.

### ۴ - مشکلات و تنگناها:

مشکلات و تنگناها در دو قسمت مورد بررسی قرار گرفته است، بخش اول مربوط به مشکلات تولید داخلی و بخش دوم در زمینه مشکلات مربوط به واردات است.

الف: مشکلات تولید داخلی را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

اساسی ترین مشکل در بخش کشاورزی و بدنبال آن در تولید گندم، مسئله مالکیت بر زمینهای زراعی است. این مسأله که پس از سال ۱۳۵۷ بوجود آمده، ضربات سختی را بر کشاورزی وارد آورده است، زیرا دهقانانی که بتازگی زمین دریافت کرده اند، و هم چنین زمینداران بزرگ که سهمشان در کل تولید (بخصوص گندم) اهمیت زیادی دارد، چندان رغبتی به تولید اصولی نشان نمیدهند. و بسیاری از آنها بعنوان مثل در گرگان از کشت پنبه به کشت گندم روی آورده اند که در این مورد فقط به بذریاشی اقدام می کنند. و یا در بعضی موارد نهاده های مورد لزوم در کشت گندم و یا سایر کالاهای اساسی را در کشت صیفی جات بکار میبرند. و در مواردی نیز به علت اینکه در امر مالکیت بر باغها مشکلی وجود ندارد، بسیاری از زمینهای زراعی را به باغات تبدیل کرده اند.

استفاده نامناسب از نهاده های کشاورزی از دیگر مسائلی است که طی سالهای اخیر، بر تولیدات کشاورزی اثرات منفی داشته است. عمدتاً عرضه تراکتور و دیگر ماشین آلات کشاورزی پس از اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۰ افزایش پیدا کرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این سیر افزایشی

همچنان ادامه یافت، بطوریکه در سال ۱۳۵۶ حداکثر بمیزان ۱۱۶۳۶ دستگاه تراکتور رسید. این میزان در سال ۱۳۶۱ به تعداد ۲۸۹۴۰ دستگاه افزایش پیدا کرد.

این افزایش عرضه تراکتورها نتیجتاً میبایست اثرات مثبتی بر تولیدات کشاورزی داشته باشد لکن به علت استفاده نامناسب از تراکتورها، از اثر آن بر افزایش تولیدات کاسته شد. علل مربوط به این امر را دو قسمت عمده میتوان ذکر کرد: عامل اول مربوط است به جایگزینی استفاده از تراکتور بجای کامیون و مینی بوس که قبلاً در روستاها بکار مشغول بودند و فعلاً به شهرها انتقال یافته اند، بطوریکه علیرغم افزایش تقاضا برای تراکتور و استفاده بیشتر از آن، عملاً بخشی از تراکتورها از حوزه تولیدات کشاورزی خارج شده و در بخش خدمات بکار رفته اند. عامل دیگری که در عدم کارایی از تراکتورها اثر میگذارد، مربوط به قلت تعداد تعمیرگاههای مناسب، کمبود آموزش، تعداد اندک مروج، مسائل مربوط به توزیع لوازم یدکی، واردات نامنظم و لوازم یدکی و عدم رعایت الویتها در وارد کردن این قطعات میباشد.

استفاده از کودهای شیمیائی با وجود اینکه طی سالهای اخیر میزان آن افزایش پیدا کرده لیکن بر تولیدات کشاورزی از جمله گندم اثرات مثبتی نداشته است. بنحویکه علیرغم رشد ۱۴۶/۸ درصد در مصرف کودهای شیمیائی طی دوره ۶۲-۱۳۵۶، تولید گندم تنها رشدی معادل ۸/۳ درصد داشته و طی این دوره از ۵۵۰۰ هزار تن به ۵۹۵۶ هزار تن رسیده است. کارشناسان امور کشاورزی اظهار میدارند که کودشیمیائی توزیع شده جهت گندم توسط دولت، ظاهراً برای کشت محصولاتی که از حاشیه سود نسبتاً بالاتری برخوردارند از قبیل صیفی جات مصرف میشود. البته این توجیه کارشناسان امور کشاورزی قانع کننده بنظر نمیرسد، زیرا با توجه بمیزان سطح زیرکشت صیفی جات و سبزی در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ (حدود ۵۵۰ تا ۶۰۰ هکتار) و کاربرد معقول کودشیمیائی بمیزان ۵۰۰ الی ۶۰۰ کیلوگرم در هکتار برای این نوع محصولات، کل کود شیمیائی مصرفی صیفی جات رقمی معادل ۳۰۰ تا ۳۶۰ هزار تن برآورد میشود. و نتیجتاً رقمی حدود ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون تن از کل کود مصرفی باقی میماند، به این ترتیب این سؤال

مطرح میشود که افزایش سرسام آور مصرف این کودها مربوط به کدامیک از بخشهای تولید کشاورزی بوده است. استفاده از زمینهای کشاورزی بمنظور احداث واحدهای صنعتی از دیگر مسائلی است که موجب انتقال بخشی از زمینهای مناسب برای تولید گندم و دیگر محصولات اساسی، جهت مصارف صنعتی شده است، این انتقال از طرفی نیز موجب بیکار شدن عده ای از کارگران بخش کشاورزی و زارعین و در نتیجه مهاجرت آنان به مراکز شهری گردیده است.

کمبود ترویج، آموزش و عدم مبارزه اصولی با آفات و بیماریهای گندم از دیگر مشکلاتی هستند که موجبات کاهش عملکرد در هکتار گندم را فراهم کرده اند.

عدم استفاده از ماشین آلات مناسب و بخصوص ماشین بذرپاش موجبات افزایش میزان ضایعات را تا حد ۳۰ درصد کل تولید، فراهم آورده است.  
ب: مشکلات مربوط به واردات:

مشکل مهمی که در امر واردات گندم وجود دارد مسأله حمل و تخلیه گندم وارداتی به کشور است، که بشرح زیر خلاصه میشود:  
- استفاده از کشتیهای ۳۵ - ۱۵ هزار تنی بعلت وجود جنگ تحمیلی.

- عدم استفاده از کشتیهای بزرگ حمل بعلت فقدان دستگاههای مکنده.

- عدم استفاده از دستگاههای مکنده در بندر امام خمینی بعلت خودداری کشتیهای بزرگ از تردد در این منطقه.

- پرداخت هزینه دموراز بوسیله ایران بعلت طولانی شدن امر تخلیه.

- تخلیه گندم در بیش از یک بندر و در نتیجه افزایش هزینه تا مبلغ ۲۰ دلار برای هر تن گندم.

- هزینه های دیگری از جمله هزینه تخلیه و حمل داخلی گندم نیز وجود دارد که نتیجتاً قیمت یک تن گندم وارداتی را به میزان ۲۲۸۹۰ ریال میرساند.

از طرف دیگر نرخ خرید گندم وارداتی در سال ۱۳۶۳ بر اساس نرخ رسمی ریال به دلار در سطح تنی ۱۸۹۶۵ ریال

بوده است. ولذا هرگونه تغییری در نرخ برابری مزبور بر قیمت خرید و ترخیص گندم وارداتی شدیداً اثر میگذارد.  
ج - مشکلات مربوط به توزیع:

اگرچه در حال حاضر دولت امر توزیع گندم و آرد را بر عهده دارد لیکن ناهماهنگی بین سازمانهای ذیربط مشکلاتی را در امر توزیع بوجود آورده است که میتوان بشرح زیر خلاصه کرد:

- ناهماهنگی در عملکرد سازمان غله از یکسو و سازمان تعاون از سوی دیگر، نمونه بارزی است از تورم ناشی از عوامل سازمانی.

- ناهماهنگی در سیاستهای شهرداری و سازمان غله، بطوریکه شیرینی پزیهایی که فاقد جواز کسب هستند آرد مورد نیاز خود را از بازار آزاد (عمدتاً از نانوائیهای بربری) تأمین می کنند.

- فشار زارعین بر فرماندارها برای تهیه آرد و گندم مورد نیازشان در پی امر توزیع آرد و گندم ارزان در روستاها توسط سازمان غله، که بدنبال آن دیگر کشاورزان به امر کاشت گندم اقدام نکرده و برعکس تقاضایشان برای دریافت گندم دولتی افزایش پیدا کرده است.

د - مشکلات مربوط به سیاست قیمت گذاری

سیاست قیمت گذاری دولت مبنی بر پائین نگهداشتن قیمت محصولات کشاورزی (بویژه گندم)، بسود مصرف کنندگان، موجب شده است تا مسئله نابرابری در رابطه مبادله میان بخش کشاورزی و سایر بخشهای اقتصادی تشدید شود، بنحوی که کشاورزان مجبور شده اند تولیداتشان را با نرخ تعیین شده بدولت فروخته و در مقابل مایحتاج خود را با نرخ بالاتری خریداری کنند. همچنین بی توجهی به میزان حاشیه سود برای تولید گندم در مقایسه با سود حاشیه سایر محصولات، موجب انتقال به کشت محصولات سودآورتر مانند صیفی جات شده است.

پیشنهادات مشخص

با در نظر گرفتن مشکلاتی که در فوق به آن اشاره شد،

پیشنهاداتی در زمینه رفع این مشکلات در زیر ارائه میشود:  
- روشن نمودن وضعیت مالکیت اراضی کشاورزی.  
- تفکیک مسائل مربوط به کشاورزی و مسئول شناختن هر ارگان دولتی در مقابل وظیفه محوله.

- تجمع مسائل مربوط به آمارهای کشاورزی در یک ارگان واحد.

- افزایش نرخ خرید گندم از کشاورزان و حذف سوبسیدهای مربوط به کود شیمیائی و ماشین آلات و امثال آن.

- ایجاد محدودیتهای لازم برای تجدید تولید محصولات غیراساسی به منظور تنظیم سود حاشیه ای بین محصولات مختلف.

- کاهش قدرت سلف خرهای محصولات کشاورزی.  
- ایجاد هماهنگی میان سازمانهای دولتی و ارگانهای در حال حاضر مسئولیت نظارت بر امور تولید، خرید، توزیع، واردات، حمل و نقل و نیز قیمت گذاری محصولات کشاورزی را بر عهده دارند.

- جلوگیری از تبدیل اراضی کشاورزی به واحدهای صنعتی و مسکونی.

- یکپارچه کردن اراضی مربوط به بهره برداریهای کوچک.  
- جلوگیری از خرد شدن بی رویه اراضی و استفاده مناسب و معقول از ماشین آلات از طریق ارائه آموزش لازم به روستائیان، ایجاد تعمیرگاههای ثابت و سیار و ایجاد هماهنگی میان تصمیمات سازمانهای که در خرید ماشین آلات کشاورزی مسئول میباشند.

- افزایش تعداد مروچین کشاورزی در روستاها.  
- جلوگیری از ضایعات گندم از طریق کاربرد صحیح ماشین آلات.

- برقراری رابطه معقول میان هزینه تولید و قیمت (دولتی) گندم.

- ایجاد رابطه ای منطقی میان قیمت کالاهای صنعتی و کالاهای کشاورزی.

- فراهم آوردن زمینه های سرمایه گذاری در واحدهای کوچک صنعتی کاربر در روستاها.